■ روزنـامه فرهنگی، اجتمـاعی صبـح ایـران ■ صاحب‌امتیاز: سـازمان صداوسـیمای جمهـوری اسـلامی‌ایران ■ نخسـتین موسسـه فرهنگی مطبوعاتی کشـور دارای گواهینامـه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

پنجشنبه ۳ مرداد ۱۳۹۸ | ۲۲ ذی‌القعده ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۴۰ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Thursday - 2019 July 25

حدیث روز: تحف‌العقول

امام هادی علیه‌السلام:
هر کس از خدا فرمان ببرد، از او فرمان برند.

پلک احساس: حافظ

خرقه زهد مرا آب خرابات ببرد
خانه عقل مرا آتش میخانه بسوخت

امروز در تاریخ:

- واگذاری امتیاز معادن ایران به رویتر انگلیسی (۱۲۵۱ ش)
- تصویب قانون کاپیتولاسیون (۱۳۴۳ ش)
- حمله منافقین و عراق به غرب و سرپل ذهاب (۱۳۶۷ ش)
- وفات آیت‌الله «عزیزالله عطاردی» (۱۳۹۳ ش)
- وفات آیت‌الله «شب زنده‌دار جهرمی» (۱۳۹۳ ش)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۱۱ — غروب آفتاب: ۲۰/۱۵
اذان مغرب: ۲۰/۳۵ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۱
اذان صبح (فردا): ۴/۲۸ — طلوع خورشید (فردا): ۶/۰۷

پیش‌بینی آب و هوا جمعه

تهران	اراک	اردبیل	ارومیه	اصفهان	اهواز	ایلام	بجنورد
۲۸ / ۳۹	۲۲ / ۳۷	۱۶ / ۲۸	۱۹ / ۳۷	۲۲ / ۳۸	۳۰ / ۴۹	۲۲ / ۳۸	۱۹ / ۳۸

حکمت ۴۶۱: نهج‌البلاغه

غیبت کردن، تلاش ناتوان است.

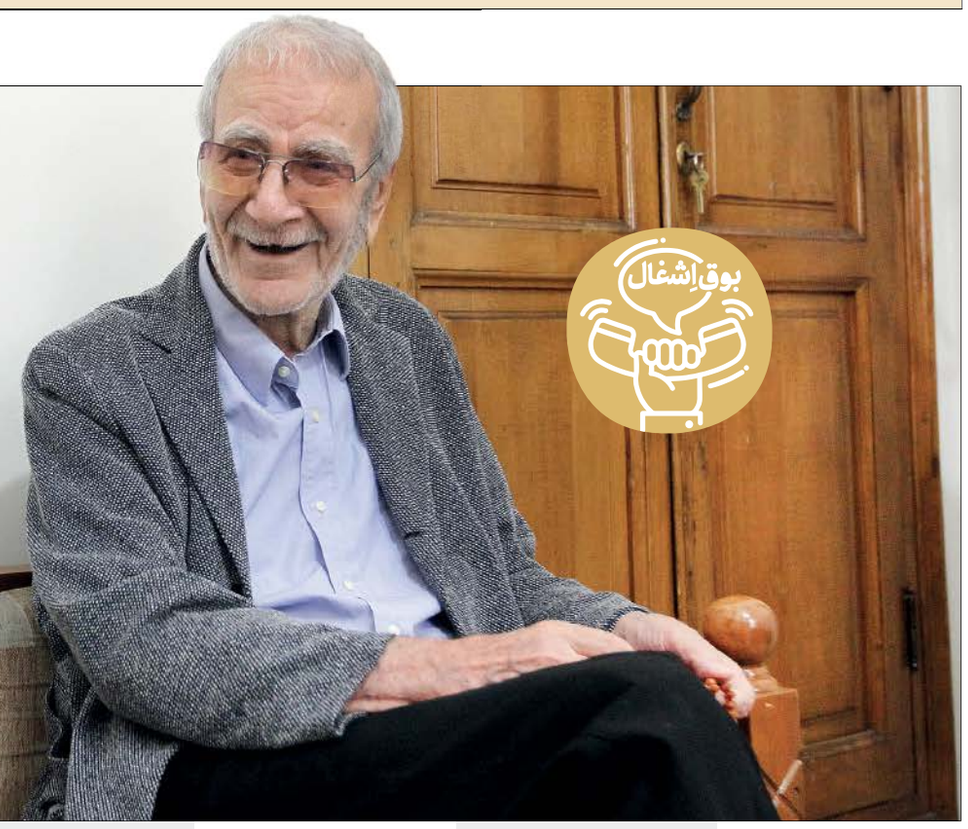

عکس: چاوش همایوندی

گفت‌وگوی «بوق اشغال» با دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی چهره ماندگار فلسفه

اگر عقل نبود عاشق نمی‌شدیم

علی مظاهری
روزنامه‌نگار

بای بسم‌ا..
سخن‌زدن با اندیشگرِ یگانه و فیلسوفِ بی‌نظیرِ جهانِ اسلام کاری ست صعب! از خودِ ایشان بنیوشید که: «با من سخته حرف‌زدن»! و این از بزرگی و فرهیختگیِ احیاگرِ حکمتِ شرق، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی است و بس.

هرچند سابقه دیرینِ آشنایی را رعایت کرده التفات فرمود: «هرچی میخوای بپرس من جوابتو میدم دیگه» اما بسی پرسش و پاسخ‌ها را رخصتِ نشر نداد؛ «با من که صحبت می‌کنی شخصی و... نباشه از خودم هم صحبت نکن. خودت که بلدی» با وجودِ آن همه حکمتِ نیوشیدنی و سخنانِ بلند، همچنان اما ایشان نه ادراک‌شدنی ست نه اهلِ توصیه و تذکر: «سوال کن جواب بدهم من هیچ‌وقت به بچه هام هم توصیه نمی‌کنم. من رسول نیستم» با این که پرسش را بی‌جواب نذاشتیم؛ «هرچی میگم باز می‌پُرسه» اما زیرکانه از درجِ بسی گپ‌وگفت‌های دوستانه با این تذکر برگذشتند: «از یه فیلسوف این جوری نمی‌پُرسن» یا بسی فرازهای گفت‌وگو را ننگاشتیم که نخواستند: «ما اهل فلسفه‌ایم. از کلیات صحبت می‌کنیم»

استاد همان دمِ تجدیدِ دیدار و پیش از آغازِ دورِ جدیدِ گفت‌وگومان (که چند هفته طول کشید) به حاضرانِ موسسه چنین معرفی‌ام کرد: «روزنامه نگاره... یه چیزایی میخواد بپرسه که وحشتناکه...» چه لطف‌ها و طُرفه‌ها که در این جریده درج نشده: «سوالاتِ عجیب‌غریب می‌کنی... این حرف‌ها را شیاطین بهت القا می‌کنن...» از «موسسه حکمت و فلسفه» بیرون که می‌رفتم آن سخنِ بیهقیِ دبیر در ذهنم می‌رخشید و می‌تراوید: «و صعب مَردی بود»

شهرتِ شما؟
از کُفرِ ابلیس هم مشهورتره.. (کفرِ ابلیس مشهور هست یا نه!)

آرامش فیلسوف؟
آرامشی نیست... اگر نفلسفم مُرده ام

خودِ فلسفیدن؟
فضیلته

کار فلسفی دقیقا چیه؟
کشف حقایقِ هستی

کار فیلسوف؟
شغل نیست فیلسوف می‌فلسفد

زبان فلسفه؟
زبان عقل است

قلمرو فلسفه؟
عالَم هستیه.. فلسفه درباره عالم هستی حرف می‌زنه

شمای فیلسوف فقط لحظه فلسفیدن فیلسوفین؟
ساعت و روز مشخصی نداره مرتب می‌فلسفم حتی در خواب

اگر نمی‌فلسفیدین؟
حس بیهودگی می‌کردم شاید هم احمق می‌شدم و آن بیهودگی را حتی حس هم نمی‌کردم

فلسفیدن اگر سختی نداشت؟
معلوم نبود ارزش دیگری داشته باشم

چی اوقات شما را تلخ می‌کنه؟
آدم‌هایی که خرن و لجاجت می‌کنن

البته خریتِ برخی که اوقات تلخی نمیاره:
وقتی طرف روی خریتش لجاجت می‌کنه اوقاتم تلخ میشه

پذیرش ندانستنِ خود یعنی؟
یعنی انصاف، یعنی: خرد، یعنی عقل

این که شما را احیاگر حکمت شرق می‌دانند؟
این را نگو حرف علمی بزن من یک طلبه‌ام دارم فلسفه درس میدم

از خوشی‌های فکر فلسفی؟
(دارم می‌گم که) برای فیلسوف خرسندی آورست

بی‌مساله که باشین؟
می‌میرم

پس همیشه در حضورِ فلسفیدنین؟
همیشه چیزی در من هست تنها شکلش عوض می‌شه

وقتی که مشغولِ شین؟
دل‌مشغولی خوبیه این مشغول بودن فضیلته

فرهنگ ایرانی؟
فرهنگ ایرانی همیشه یک فرهنگ خوب بوده ایرانی‌ها همیشه فرهنگ داشتند و فرهنگ والا داشتند

«داشتند» استاد؟
هنوز هم فرهنگ شون خوبه..

اما جلوه و جبروت فرهنگی کوچه بازار حاکی از چیزهای دیگه‌ای ست:
حالا این که بعضی هاشون خُل‌مشنگ شدن بحث دیگه‌ای ست

از میراث‌های ارزنده فرهنگ ایران‌زمین؟
آیین مقدس زرتشت. پندار نیک گفتار نیک کردار نیک. عدالت کوروش.

از انسان‌های بزرگ؟
انبیا حُکما و..

درباره شما شکی درِش نیست؟
این که درصدد کشف معرفتم

کوشش همیشه؟
معرفت پیدا کنم و چیزی را که بلدم یاد بدهم

با همین گِرا.. پیگیری شما؟
من سعی می‌کنم بیفزایم بر معرفت خودم

حجاب معرفت از دیدگاه شما؟
خریت، جُمود! جمود.. (جمود آیا خریت نیست؟ بله؟)

بارِ هستی؟
سنگینه

از دیدگاه استاد دینانی، ناکرانمندست:
ابدیت ناکرانمندست

روزگار دکتر دینانی؟
هر روز به چیز متفاوتی فکر می‌کنم

نظریا نظریاتی که برایتان تکان‌دهنده بوده؟
بسیار بسیار

میزان انعطاف‌پذیری‌تان در برابر فکری جدید؟
البته انعطاف‌پذیری یعنی قدرت شنیدن و سنجیدن و انعطاف پذیری من به این معنا ست

و در همین راستا میزان پذیرش شما؟
نه چنین نیست که هرچیزی را قبول بکنم!

همیشه هست؟
پرسش

پرسش چی هست و چی نیست؟
پرسش پُرسشه ناممکن نیست

یکی از پرسش‌های اساسی؟
من در هرلحظه یک سوال دارم

چالش برانگیزترین پرسش‌ها؟
هستی چیست.. از این چالش برانگیزتر نداریم

احساس صمیمیت؟
خیلی داشتم با خیلی‌ها

رسالت انسان خردمند؟
از رسالت نپرس من حرف دارم و می‌زنم اما رسول نیستم خودمو رسول نمی‌دونم

بهروزی انسان؟
در خردمندی و تعقله

استثمار انسان؟
عقل یک آدم را بدزدی احمقش کنی و از کارش استفاده کنی

انسان خردمند به کجا می‌ره؟
به جایی که معقول باشه

کسی که قَست فودی فکر می‌کنه؟
خرن دیگه.. فست‌فود بهتره یا یک سفره شاهانه

تکامل انسان به چیست در چیست؟
در خردمند شدن

تحول فکری که نباشه؟
با مُرده فرقی نمی‌کنه نفَس می‌کشه اما مُرده ست

اندیشه‌ای که جهانی نیست؟
خیلی هست

مثال برای اندیشه منطقه‌ای؟
این که چیده مان این اتاق چگونه باید باشه

چیه که به نظرتون واقعا خوبه:
نقد

ویژه‌گی مهم و کمتر توجه شده شعر فارسی؟
شعر شُعرای گذشته از خود فردوسی گرفته تا انوری و سعدی و حافظ مملو از حکمت است

از خردِ فردوسی فرزانه؟
در مرحله اول یک ایرانی تمام عیار همچنین وطن پرسته، یک حکیم هم است

حالا یک حکیم ایرانی چگونه سخن می‌گوید؟
همان گونه سخن می‌گوید که فردوسی گفته است

در این فضا، چنان چه کسی برآن ست که شعر حافظ را بنیوشد؟
بدون حکمت نمی‌تواند

حیرت را اساس تفکر عطار دانستین جالبه ابوالمعانی بیدل دهلوی نیز همواره از حیرت سخن رانده:
بله حیرت مقام تفکره

چگونه به آن مقصد عالی می‌توان رسید؟
وقتی انسان عظمت هستی را درک بکنه (ببینم خر حیرت می‌کنه؟ تا حالا دیدی خر حیرت کنه یا نه)

همپای حیرت، میرزا بیدل از عجز نیز بسیار سخن سُراییده:
همون! یعنی عظمت هستی را انسان نمی‌تونه درک بکنه و خودش را در برابرش عاجز می‌بینه حرف درستیه

کسانی که در مباحث مثلا عرفانی از فراتر از عقل سخن می‌زنند؟
عارف‌شناسانِ خر و خرهای عالم از ماورای عقل صحبت می‌کنند نباید چنین چیزی را به عُرَفا نسبت داد

حریم عرفان؟
هستی ست در وحدتش

در فلسفه حیرت هست..؟
منوط به یک شخص نیست خود فلسفه حیرته

می‌گن رومی..؟
(همین طور بنویس!) بوی پدرسوختگی میده این عنوان. می‌خوان مولوی بلخی را از ما بگیرن، روم میدونی کجاست؟

بله آسیای صغیر بخشی از ایران بزرگ:
حالا ایرانی بود یا رومی

ایرانیِ بلخی و بی‌گمان چونان حافظ از شاعران بزرگ و بی‌نظیر روزگاران:
آن چه در مولوی بلخی به تفصیل گفته شده در حافظ به اجمال بیان شده

عطار در منطق‌الطیر گویا از کیفیت سلوکِ اندیشه و سالکِ فکر می‌گوید:
(کلی که می‌گم دیگه نباید حرف زد) انسان خالی از اندیشه یعنی جماد یا نبات یعنی حیوان انسان که خالی از اندیشه نیست

برخی انسان‌ها منهای اندیشه‌اند، اینها یعنی؟
یعنی هیچی

در این بزنگاه! ویژگی اندیشه؟
اندیشه مراتب داره و هرچی بره.. باز مرحله بالاتر هست

پس سالِک یعنی؟
کسی که در مراحل اندیشه قدم به قدم بالا می‌ره

انسان با کدام ویژگی هم سخن خدا می‌شه؟
با وجود انسانیت اش

راه انسان به سوی خدا از کجا می‌آغازد؟
از خودش

و راه خدا به سوی انسان از کجا..؟
از خدا

یک مدرکِ معتبر؟
گفت دوست داشتم شناخته بشم پس انسان را خلق کردم (گُنتُ کَنزاً مَخفیاً..)

انسان؟
انسان، آیینه عالَم ست

یعنی؟
عالَم در من و در شما ظاهر می‌شود (حالا اگر انسان نبود، این می‌شد؟ پس انسان آیینه عالم است)

در مکاشفه سالِک منفعله یا فعال؟
انسان فعاله.. سالک، کاشفه دیگه کشف می‌کنه

یعنی پرسشگره یا در عین پاسخه؟
درباره مکاشفه بیش از این نپرس من در این باره بحث دارم

کسی که ادعای شهود و مکاشفه کند؟
باید ثابت کُنه

معرفت از محبت میاد یا برعکس محبت از معرفت ناشی میشه؟
همراهن.. محبت بدون معرفت معنی نداره

پس هرکجا به بوی محبت میاد؟
ناشی از نوعی معرفت ست

حالا تفاوت علم و معرفت؟
معرفت اقسامی داره مثل معرفت فلسفی.. یک قِسمِش علمه

قیاس منطقی؟
از نیرومندترینِ فکرها ست

فرقش با قیاسی که فقها قبولش ندارن؟
قیاس فقها تمثیله به تمثیل قیاس میگن

درباره آنان که اهل اندیشه نیستند این وصفِ بی‌اهمیت را به کار برده بودین:
نیندیشیدن بَده ولی هیچ موجودی بی‌اهمیت نیست

کسی که برای زندگیش معنایی نمی‌شناسه؟
نمی‌تونه زندگی کنه

مثالی برای تفاوتِ معنای زندگی؟
معنی زندگی ابن سینا با یَقتَلی بَقّال فرق می‌کنه این معناش فیلسوفانه است عمیق‌تره آن معمولی تره

هدف زندگی؟
رسیدن به سعادته

رابطه زندگی با عقل؟
عقل به زندگی معنا نمیده عقل معنی را از جیبش درنمیاره عالَم معنا داره که عقل کشفش می‌کنه

و انسان عاقل؟
همان معنا را که کشف کرده اظهار می‌کنه

پس انسان نیز کاشف است؟
انسان نیز معنا را خلق نمی‌کنه کشفش می‌کنه (این که می‌گم یه چیز دقیقه گوش بِده)

عقلِ معناساز؟
عقل اگر معنا را بسازه اعتبارش کم میشه

پیشرفتِ علم؟
کشف عقل ست. پیشرفتِ معنویت هم کشف عقل ست

از نخستین‌های فلسفه؟
حکمت نور که برای اولین بار در ایران مطرح شده قبل از ایرانی‌ها هیچ قومی در کره زمین از نور صحبت نکرده اند

در این باره یادی از فیلسوف نورِ سُهروَردی شیخ اشراق؟
بعد از اسلام سهروردی این نور را خیلی پرورانده است

چه کسی سراغ سهروردی نرود؟
کسی که فلسفه نداند

ایرانی‌هایی که به حکمت اسلامی خدمت کرده‌اند؟
همه حکما.. سهروردی، ملاصدرا و ابن سینا

غیر ایرانی‌هایی که به حکمت اسلامی خدمت کردند؟
سقراط، افلاطون و ارسطو

کمال عشق.. اوج عشق؟
یعنی عشق کامل.. چرا اوج.. بگو عشق.. حالا چی میخوای بگی..

این عشق کامل همان اراده عقل است؟
نه عشق عشقه اما عشق را عقل می‌فهمد (ببینم اگر عقل نبود عاشق می‌شدی.. آیا خر و گربه عاشق می‌شوند..)

این که عقل عاشقِ بهترین‌ها میشه؟
عقل، بهترین را انتخاب می‌کنه

حقیقت عشق؟
خیلی سخته درباره عشق صحبت کردن

با این وجود.. عشق در یک فراز کوتاه؟
یک پدیده الهی است

عشق را از زبان کسی غیر از خودتون که تعریف کنین؟
از قول بلخی تعریفش این شعره که: عشق آن شعله ست کو چون برفروخت / هرچه جز معشوق، باقی جمله سوخت (دفترپنجم مثنوی معنوی)

آنچه در این باره در کتاب‌هایتان قلمی فرمودین؟
عشق را بدون عقل، معنادار نمی‌دانم

چیست که از منظر شما پشیزی ارزش ندارد؟
اگر همه عالَم عشق باشه اما خالی از عقل باشه پشیزی ارزش نداره

حالا کسی که به فلسفه علاقمنده؟
باید خوب بخوانَد و استاد خوب ببینه. همین کافیه

یادی از حضرت علامه ره؟
استادم بودند یادم که بیایند برایشان طلب رحمت می‌کنم چقدر آزاداندیش بودند

آیا در جمع عقل و دین در نوشتارهایتان کامیاب بودین؟
اصلا دینی را که عقلانی نباشه قبول ندارم شما دینی را که عقلانی نباشه قبول داری

همین تازگی‌ها که دگرگون شدین؟
(یه بار جوابت را دادم) من می‌گم هرلحظه دگرگون می‌شم

عمل زدگی، آفت فلسفه است یعنی؟
یعنی کسی که فکر نمی‌کنه و فقط به عمل می‌چسبه عمل خوبه اما نه بدونِ فکرکردن

نظر و عمل؟
نظر منهای عمل معنی داره ولی عمل بدونِ نظر چه معنی داره.. با خر چه فرقی داره..

فلسفه غرب؟
فلسفه غرب زنده است و نحله‌های فلسفی فراوان دارد و هرکدام‌شان قابل اعتنا ست

چند تا نامی؟
دکارت، اسپینوزا، هایدگر، هگل.. فووکو، دلوز

حرفی نیست که اینها فیلسوفهای بزرگی هستن:
ولی فلاسفه ما نیز بزرگتر از اونا بودند

ما که نتوانستیم به جهان معرفی‌شان کنیم:
من ابن سینا را از اسپینوزا بزرگتر می‌دانم از هگل هم. سهروردی هم بزرگترینه.. ما تنبل بودیم اینها را معرفی نکردیم

آنها زرنگ بودند و نامی برآوردند:
اونا هنرداشتن و معرفی کردند و ما نتونستیم

رازِ بزرگِ این نتوانستن‌های تاریخی ما؟
ملاصدرا را چه کسانی تبعید کردند..

اجازه بدین ضبط را خاموش کنم تا بگم..
نه! همین طور ضبط کن.. فقط اسم نبر.. سُهروَردی را چه کسانی کُشتن.. همون‌ها مانع خدمت و گسترش تعقل و فلسفه شدن نذاشتن فلسفه ما رُشدکنه.. همین!

نقدی بر اشاعره؟
همیشه توی همه کتابهام نقدِ اشاعره ست

آن همه کتاب‌های تَهافت الفلاسفه (=تاخت و تاز به اندیشگران) که نوشته‌اند؟
با فلاسفه بالاخره مخالف بودند الان هم خیلی‌ها مخالف فلسفه‌اند

مخلص، خودِ فلسفیدن و لذتش و با ترجمه‌های فلسفه غرب نیوشید دریافت و شناخت:
فلسفه ما نیز لذت‌بخشه ولی کسی خوب بیان نکرده

یک تاسف به جا در این باره؟
متاسفانه عربی نوشته اند که کمی سخته با این حال اگر فلسفه ما درست تنظیم و بیان بشه کمتر از فلسفه غرب لذتبخش نیست

عرفان + شمای فیلسوف؟
عرفان من فلسفه است عرفان را باید با فلسفه فهمید عرفان بی‌فلسفه را قبول ندارم

از اهم امور؟
مرگ اندیشی مهمه.. انسان بالذات مرگ‌اندیشه

مگر این که..؟
غافل باشه

اسباب رستگاری‌تان را فراهم آوردین؟
نه.. سعی می‌کنم.. ولی هنوز معلوم نیست که..

پشیمون شدین از چیزی؟
بله!
چه بسا از حرف زدن با شما..!

استاد.. اهل حذف نیستم، دقیق سخناتون و می‌نویسم‌ها:
گفتم چه بسا..

---

۱۰ سوال داغ

۰۱	۰۲	۰۳	۰۴	۰۵	۰۶	۰۷	۰۸	۰۹	۱۰
احساس ترس داشتین؟	درباره شما شکی درِش نیست؟	همیشه خدا؟	تکامل انسان به چیست در چیست؟	راه انسان به سوی خدا از کجا می‌آغازد؟	یک بایدِ حتمی و ناگزیر؟	یکی از پرسش‌های اساسی؟	کار دایمی استاد دینانی؟	خدا دوست داره که؟	استاد ادغدغه همیشگی شماست:
بله زیاد.. الان هم ازین حرفات می‌ترسم	این که درصدد کشف معرفتم	همیشه خدا ذهنم مساله‌ساز است	در خردمند شدن	از خودش	زندگی باید معنی داشته باشه	من در هرلحظه یک سوال دارم	با سوال‌ها دست و پنجه نرم می‌کنم	شناخته بشه	من دغدغه فهم دارم